

دیسکوگرافی و نقد تاریخی

مروری بر خاطرات سید جواد بدیع زاده در

گلبانگ محراب تا بانگ مضراب

هنگام گشت و گذار در گلزار متون تاریخ موسیقی معاصر، خارهای حب و بغض، اسطوره سازی، خودپسندی، فراموشکاری و بیدقتی بر دست پژوهشگر و جان پژوهش می خلد و ضرورت پالایش متون مربوط به تاریخ موسیقی معاصر ایران با متدهای نو، امری بدیهی و غیر قابل انکار می نماید.

دیسکوگرافی می تواند روشی علمی و سیستمی در نقد تاریخی برای عرصه هایی از تاریخ هنر، نظیر موسیقی، تئاتر و سینما باشد به ویژه برای انتظام یافتن خاطره نگاری هایی که منابعی مهم و بارز و سرشار از داده هایی بدیع هستند. مصداق این بحث را مروری در کتاب ارزشمند و شایان توجه **گلبانگ محراب تا بانگ مضراب** (ISBN 964-312-590-4) قراردادده ایم که به کوشش خانم الهه بدیع زاده و با پیشگفتار و حواشی سید علیرضا میر علینقی، توسط نشرنی در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.

بدیع زاده از فعالترین هنرمندان در صحنه ضبط صفحه می باشد و در کتاب گلبانگ، بخش اعظم کتاب، به توضیح این آثار و چگونگی ضبط آن ها اختصاص یافته است. در اینجا می کوشیم به کمک دیسکوگرافی نمونه هایی از نکاتی که به دلیل فاصله زمان وقوع تا هنگام نگارش خاطرات، یا سهو در تنظیم یادداشت های پراکنده، به خطا ثبت شده را نقد و اصلاح نماییم:

۱- بدیع زاده از اولین خوانندگان صفحه های فارسی نیست. در صفحه ۱۲۴ با اشاره به مطالب صفحه ۸۵ تا ۹۰ گلبانگ آمده: "قبلا نوشتم در ۱۳۰۴ که به دعوت کمپانی صفحه سازی هیز مسترز ویس پنج صفحه خواندم. . . " تاریخ یاد شده صحیح نبوده و اگرچه اولین صفحه های فارسی پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۳۰۵ شمسی ضبط شده اما اولین صفحه های بدیع زاده در بهمن و اسفند ۱۳۰۷ و پس از ضبط آثار بسیاری (حداقل ۴۰۰ صفحه) توسط هنرمندان دیگر و کمپانی های گوناگون، پرشده است.

۲- سفرهای شام که به دو نوبت ضبط و تولید صفحه با لیبل **سودوا** انجامیده، در اواخر زمستان ۱۳۱۴ و دی ماه ۱۳۱۷ شمسی صورت گرفته که صفحه های آن ها در نیمه سال ۱۳۱۵ و ۱۳۱۸ به بازار ایران عرضه شده است. اطلاعات مربوط به این دو سفر (ص ۲۰۰ تا ص ۲۶۳)، مغشوش و در اتصال یادداشت ها، انسجام تاریخی رعایت نمی گردد. مثلا ساختن شعر ترانه **خزان عشق** توسط **رهی معیری** به سفر دوم نسبت داده شده (ص ۲۲۹) در حالی که مربوط به سفر اول می باشد ویا ساختن و ضبط سرودی برای ازدواج شاه و فوزیه در سفر اول ذکر شده (ص ۲۱۸) که مربوط به سفر دوم می باشد. دو عکس بسیار جالب از سفر اول در صفحه های ۲۲۱ و ۲۲۲ وجود دارد که تاریخ آن به اشتباه ۱۳۱۷ قید شده است.

۳- بزرگترین سهو در مورد ترتیب تاریخی کتاب گلبانگ، ذکر دو سفر شام به عنوان دو اتفاق پیاپی است حال آن که در بین این دو سفر یعنی در بهمن ۱۳۱۵ شمسی، بدیع زاده برای ضبط صفحه در برلین، تهران را ترک می کند و از صفحه ۲۶۳ تا ۲۹۰ کتاب، به این سفر اختصاص داده شده است. ضبط ۲۶ صفحه از وی برای کمپانی ادئون از ۱۴ آوریل تا ۲۸ مه ۱۹۳۷ میلادی به طول می انجامد که بخش اعظم این آثار، صفحه های پرشده در سفر اول شام و سری اول سودوا می باشد.

۴- بعید نیست که گذشت زمان، ترتیب ضبط صفحه ها را از یاد نگارنده خاطرات برده باشد اما به کمک دیسکوگرافی، که یکی از ارکان اصلی آن، مرتب کردن آثار ضبط شده بر اساس شماره قالب می باشد، در می یابیم برخلاف متن کتاب (ص ۲۷۱) اولین اثر ضبط شده در برلین، **خزان عشق** با شماره قالب های 13 & 14 per نیست، بلکه ترانه **زالزالک** با شماره قالب 1 per می باشد و در می یابیم که هیچیک از آثار فهرست شده در صفحه ۲۵۵ با ارکستر صبا و مرتضی محجوبی و در سفر دوم به شام ضبط نشده، بلکه همه در سفر اول و با همکاری صبا و فرهاد معتمد پرشده اند و در می یابیم که دو روی **سلام شاهنشاهی** با شماره قالب های 1171 & 2 w، اولین صفحه ضبط شده در سفر اول شام نبوده (ص ۲۱۰) بلکه ترانه **آلاگارسون** با شماره قالب 1161 w است و در می یابیم اولین صفحه ضبط شده از بدیع زاده در تهران در سال ۱۳۰۷ توسط کمپانی هیز مسترز ویس، تصنیف **جلوه گل** با شماره قالب 9 & 13 BX5 نیست (ص ۸۷ و ۸۸) بلکه آواز سه گاه با شماره قالب BX5068 می باشد که در صفحه ۸۹ کتاب گلبانگ به آن اشاره شده است.

۵- موارد پراکنده چندی نیز در اظهارنظرهای شخصی و حاشیه ای نگارنده وجود دارد که مقرون به صحت نیست. مثلا در صفحه ۱۵۷ و ۱۵۸ ضمن اشاره به مقدمات ازدواج با دختر **رضاقلی خان نوروزی** آمده است: "من رضاقلی خان را می شناختم و می دانستم کسی است که سال ها قبل از من با چند نفر خوانندگان معروف و توانای آن زمان مثل سید احمد خان، سید حسن خان، آقا حسین ساعت ساز و طاهرزاده و نوازندگانی مثل مشیرهمایون (پیانو)، آقا حسینقلی (تار)، درویش خان (تار)، باقرخان (کمانچه)، حسین خان اسماعیل زاده (کمانچه)، یعقوب خان (فلوت)، نایب اسدالله (نی)، به طرف روسیه رفتند." در این عبارت خلاصه ای از همه فعالیت های ضبط صفحه در عصر قاجار در تهران و سفرهای خارج، به صورتی درهم آمیخته و ناصواب درج شده و گمان و احتمال به جای علم و یقین نشسته است.

نگارنده این سطور، علیرغم همه کاستی هایی که به پاره ای از آن ها اشاره رفت، کتاب گلبانگ را اثری ذیقیمت و منبعی گرانبها در تاریخ موسیقی معاصر می شناسد و امید آنکه با انتشار امثال آن، باب پژوهش گشوده تر و زر ناب حقیقت از بوتۀ نقد علمی به درآید.